

## عنوان مقاله:

بررسی منشا دین از دیدگاه دورکیم و طباطبایی

## محل انتشار:

فصلنامه فقه و اصول، دوره 35، شماره 1 (سال: 1382)

تعداد صفحات اصل مقاله: 34

## نویسنده:

قربان علمی - تربیت معلم آذربایجان

## خلاصه مقاله:

دین عنصری پایدار، موثر و نیرومند در همه جوامع بشری در طول تاریخ بوده و می باشد. به همین دلیل، همواره این پرسش برای انسان های اندیشمند مطرح بوده است که چه عامل یا انگیزه ای انسان را به سوی دین سوق داده است. آیا آن عامل عقلانی است یا روانی و یا اجتماعی؟ یکی از پاسخ های ارائه شده به این پرسش از دیدگاه جامعه شناسی است. نظریه پردازان مهمی در این زمینه ظهور کرده اند که برجسته ترین آنها امیل دورکیم فرانسوی می باشد. او بر آن بود که پدیده های دینی از طریق عقل قابل اثبات نیست، پس برای تبیین آن باید به دنبال عوامل روانی و اجتماعی (غیرمعرفتی و غیرعقلانی) گشت. وی علت پیدایش دین را جامعه می دانست. علامه طباطبایی، در عین حال که عقل و وجدان (فطرت) انسان را منشا پیدایش دین و توجه انسان به خدا می داند، نقش جامعه را در ظهور دین نادیده نمی گیرد، وی در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره، با اشعار به مضمون همین نظریه اظهار می دارد که جامعه هر چند در پیدایش دین تاثیر داشته است، اما هیچگاه علت پیدایش آن نبوده است.

## کلمات کلیدی:

خدا، جامعه شناسی دین، دین، منشا دین، جامعه، کلان، توتیمسم، امت واحد، فطرت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1454876>

